

مراد از قرائت قرآن در آیه آخر سوره مزمل و حکم شرعی آن*

- حمید وحیدیان اردکان^۱
- حسن نقی زاده^۲
- محمدحسن رستمی^۳

چکیده

در آیه آخر سوره مزمل به «قرائت قرآن» امر شده است. در اینکه مراد از قرائت چیست، وحدت نظر وجود ندارد. برخی معتقدند که مراد از قرائت قرآن در این آیه، مطلق قرائت است و به معنای قرائتی که از واجبات غیر رکنی نماز است، نمی‌باشد. برخی مراد از این قرائت را مطلق قرائت در نماز، اعم از نمازهای واجب و مستحب دانسته‌اند. بزرگانی همچون سید مرتضی، علامه حلی، محقق کرکی و آیه‌الله خوئی، از این آیه، وجوب قرائت در نمازهای یومیه را برداشت کرده‌اند. برخی مراد از آن را امر استحبابی به نماز شب دانسته‌اند. با بررسی دقیق معنای «قیام اللیل» و استعمالات آن در متون متقدم، دقت در مقام

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۲/۲۵ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۰/۱۲.

۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه فردوسی مشهد (hvahidian@gmail.com).

۲. استاد دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول) (naghizadeh@um.ac.ir).

۳. دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد (rostami@um.ac.ir).

سخن، سیاق و بافت آیه و سوره مشخص می‌گردد که سه قول اول به دلایل مخالفت با ظهور آیه و بافت سوره، مخالفت با مقام سخن و روایات پذیرفتنی نیست. قول چهارم به مدد ادله‌ای همچون موافقت با قواعد بلاغی، مطابقت با سیاق آیه، سوره، مقام سخن و روایات تأیید می‌شود و نیز معلوم می‌گردد که امر حاضر در این عبارت بر خلاف ظاهر صیغه امر، دلالت بر استعجاب دارد. معناشناسی ترکیب «قیام اللیل» و بهره‌گیری از آن در این بحث و نیز استدلال به مقام سخن، بافت سوره، قاعده بلاغی «ردّ العجز إلى الصدر»، از جمله نوآوری‌های این مقاله است.

واژگان کلیدی: سوره مزمل، آیات الاحکام، واجبات نماز، قیام اللیل،

قرائت قرآن.

درآمد

سوره مزمل ۲۰ آیه دارد و تمام آیات آن به استثنای آیه آخر، قطعاً مکی است و در اوایل بعثت نازل شده است. درباره آیه آخر آن اختلاف است؛ برخی همچون علامه طباطبایی آن را مدنی دانسته (زمخشری، ۱۴۰۷: ۶۳۴/۴؛ طباطبایی، ۱۳۹۰: ۷۴/۲۰) و برخی همچون فخر رازی و بیضاوی آن را مکی دانسته‌اند (فخرالدین رازی، ۱۴۲۰: ۶۸۱/۳۰؛ بیضاوی، ۱۴۱۸: ۲۵۵/۵). این سوره به پیامبر ﷺ فرمان می‌دهد که برای کاستن از سنگینی و وظیفه خطیر نبوت و کنایه‌های مشرکان که وی را کاهن و شاعر می‌خواندند، به تهجد و نماز شب متوسل شود و با کرامت از کنار کنایه‌ها و تهمت‌ها بگذرد. ضمناً این سوره مشتمل بر انذار کافران است و در آخرین آیه نیز در فرمان شب‌زنده‌داری، تخفیف قائل می‌شود (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۶۰/۲۰ و ۷۴).

در آیه انتهایی سوره مزمل آمده است: ﴿إِنَّ رَبَّكَ يَعْلَمُ أَنَّكَ تَقُومُ أَدْنَىٰ مِنْ ثُلُثِي اللَّيْلِ وَنِصْفَهُ وَثُلُثَهُ وَطَائِفَةٌ مِنَ الَّذِينَ مَعَكَ وَاللَّهُ يُدْرِكُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ عَلِيمٌ أَنْ لَنْ تُحْصَوْهُ فَتَأْتِبَ عَلَيْكُمْ فَاقْرَءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ عَلِيمٌ أَنْ سَيَكُونُ مِنْكُمْ مَرْضَىٰ وَآخَرُونَ يَضْرِبُونَ فِي الْأَرْضِ يَبْتَغُونَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَآخَرُونَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَاقْرَءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنْهُ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ...﴾ (مزمل / ۲۰)؛ «پروردگارت می‌داند که تو و گروهی از آن‌ها که با تو هستند، نزدیک دوسوم از شب یا نصف یا ثلث آن را به پا می‌خیزند. خداوند شب و روز را اندازه‌گیری می‌کند. او می‌داند که شما

نمی‌توانید مقدار آن را [به دقت] اندازه‌گیری کنید [برای عبادت کردن]، پس شما را بخشید. اکنون آنچه برای شما میسر است قرآن بخوانید. او می‌داند به زودی گروهی از شما بیمار می‌شوند و گروهی دیگر برای به دست آوردن فضل الهی [و کسب روزی] به سفر می‌روند و گروهی دیگر در راه خدا جهاد می‌کنند [و از تلاوت قرآن باز می‌مانند]، پس به اندازه‌ای که برای شما ممکن است، از آن تلاوت کنید...».

چنانچه مشخص است، در این آیه دو بار به «قرائت قرآن» امر شده است. درباره مراد از قرائت قرآن در این آیه و در نتیجه حکم شرعی آن، میان مفسران و همچنین فقیهان اختلاف است. در بررسی اقوال مختلف، به چهار قول دست یافتیم.

برخی قائل‌اند که مراد از آن، مطلق قرائت قرآن است و البته آن را واجب می‌دانند؛ اما در اینکه با قرائت چند آیه در روز، این امر امثال شده، با یکدیگر اختلاف دارند. برخی معتقدند که مراد، قرائت در همه نمازها - اعم از نمازهای واجب و مستحب - است که در این صورت، مطلق امر مراد است که اعم از مستحب و واجب است. برخی قائل‌اند که مراد از قرائت قرآن در این آیه، قرائت در نمازهای یومیه است که در این صورت امر به قرائت در این آیه، امر وجوبی است و برخی معتقدند که مراد، نماز شب است و در نتیجه امر به آن استحبابی خواهد بود. در ادامه به نقد و بررسی هر کدام از این چهار قول می‌پردازیم.

پیشینه

به جز نگاشته‌های تفسیری، مقالات و کتاب‌هایی که درباره نماز شب نوشته شده، به این آیه اشاره کرده‌اند، که از جمله آن‌ها می‌توان به مقالات زیر اشاره کرد: «تهجد و شب‌زنده‌داری در سیره پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله» (خرمی، ۱۳۸۵: ۲۰-۲۸)، «اهمیت نماز شب در آینه قرآن» (ابگشا و کرمی، ۱۳۹۶: ۸۳-۹۲). این مقالات صرفاً به این آیه اشاره کرده، اما به مباحث فقهی ذیل آن نپرداخته‌اند. مقاله «قرآن‌پژوهان و آیه پایانی سوره مزمل» (شکراللهی، حاجی‌اسماعیلی و اسماعیلی، ۱۳۹۵: ۸۶-۱۰۵) نیز دقیقاً آیه آخر سوره مزمل را موضوع سخن قرار داده است؛ اما آن را از زاویه اختلاف موجود در مکی یا مدنی بودن مورد بحث قرار داده است. مقاله «کاوشی در نماز شب پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله» نیز موضوع

سخنش را بررسی حکم فقهی نماز شب برای پیامبر صلی الله علیه و آله و اصحاب ایشان قرار داده است (خاتمی و موسوی، ۱۳۸۹: ۴۹-۶۶). هرچند این مقاله نیز به آیه محل بحث پرداخته است، اما زاویه دیدش با مقاله حاضر متفاوت است. این مقاله صرفاً به وجوبی یا استحبابی بودن دستور به اقامه نماز شب برای پیامبر صلی الله علیه و آله و اصحاب ایشان پرداخته است. مقاله‌ای با عنوان «آیه اللیل... هل هی منسوخة» (میرعمادی، ۱۳۷۲: ۲۵-۲۸) نیز موضوعی نزدیک به مقاله اخیر دارد و موضوع سخنش آن است که آیا آیات ابتدایی سوره مزمل، نماز شب را بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله واجب کرده است یا خیر؟ و اگر چنین است، آیا آیه آخر سوره مزمل نسخ این وجوب است یا خیر؟ این مقاله در واقع بخشی از نتیجه تحقیق ما را که معادل بودن قرائت قرآن با صلاة اللیل است، پیش فرض گرفته و به بحث و بررسی آن پرداخته است. مقاله «الألفاظ الدالّة علی الصلاة فی القرآن الکریم - دراسة دلالية» نیز به بیان واژگان قرآنی که برای تعبیر از نماز کاربرد دارند، پرداخته است. این مقاله نیز صرفاً با بخشی از مقاله حاضر همپوشانی دارد. در این مقاله به این مطلب پرداخته شده است که در قرآن کریم برای تعبیر از نماز، از واژگان و ترکیب‌های مختلفی استفاده شده است که از جمله آن‌ها «قرائت قرآن» است (فرحان جواد، ۲۰۰۹: ۱۰۳-۱۲۶). برخی پایان‌نامه‌ها نیز به بررسی آیات سوره مزمل پرداخته‌اند. شماری از آن‌ها مقدار اندکی با مسئله این رساله همپوشانی دارند. پایان‌نامه *تفسیر تطبیقی روایی سوره مزمل از اهم تفاسیر فریقین* (دژی، ۱۳۹۱) در بخش انتهایی‌اش با عنوان *آموزه‌ها و پیام‌های هدایتی سوره مزمل و نیز در خلال روایات نقل شده، به این بحث اشاره کرده است که مراد از قرائت قرآن که در این سوره بدان امر شده است، همان نماز شب است؛ البته بر خلاف تحقیق حاضر به بیان ادله اثبات این مطلب نمی‌پردازد. پایان‌نامه *بررسی معناشناختی سوره مزمل و مدثر* (صفری رودبار، ۱۳۹۵) با رویکرد معناشناسانه به بررسی این دو سوره پرداخته و به همین جهت، واژه‌های زیادی از این دو سوره از جمله ایمان، ذکر و... را بررسی کرده است. اما با این رویکرد، به هیچ یک از واژه‌های آیه محل بحث این رساله توجه ندارد. *بررسی دلالت‌های آوایی سوره مزمل و مدثر* (موسوی، ۱۳۹۵) پایان‌نامه دیگری است که با رویکرد آوایی به بررسی این دو سوره پرداخته و موضوع سخنش بررسی آواها، هجاها، صفات و... است و مطلقاً با موضوع این مقاله همپوشانی ندارد.*

مؤلفان کتاب‌های فقهی نیز در بخش واجبات نماز ذیل بحث قرائت نماز، به بررسی این آیه پرداخته‌اند. دلالت آیه بر وجوب قرائت در نماز، دلالت بر امر به مطلق قرائت قرآن، دلالت امر بر وجوب یا استحباب، از جمله مباحث طرح شده در کتاب‌های فقهی است. در اثنای مقاله به اقوال گوناگون فقها اشاره شده است. همچنین تفاسیر فقهی نیز ذیل آیه شریفه از این بحث غفلت نکرده‌اند و در مقاله حاضر به این اقوال نیز اشاره شده است. با توجه به این زمینه‌ها روشن شد که هرچند برخی مقالات و رساله‌ها، موضوعشان سوره مزمل و یا خصوص آیه آخر این سوره است، اما رویکردی کاملاً متفاوت از این مقاله دارند. در کتاب‌های فقهی و نیز تفاسیری که با رویکرد فقهی نوشته شده‌اند نیز به هیچ کتابی دست نیافتیم که بحث جامعی در این باره ارائه کرده باشد. علاوه بر آنکه نظر بسیاری از این فقیهان و مفسران در این مقاله ارزیابی و نقد شده است. نوآوری مقاله، دفاع منطقی از قول برگزیده و نحوه استدلال برای تأیید آن است؛ خصوصاً آنکه در مخالفت با نظر بزرگانی همچون سید مرتضی، محقق حلّی و محقق کرکی است. معنائشناسی ترکیب «قیام اللیل» و بهره‌گیری از آن در این بحث و نیز استدلال به مقام سخن، بافت سوره، قاعده بلاغی «ردّ العجز إلى الصدر» نیز از جمله نوآوری‌های این مقاله است.

ثمره و کارکرد بحث

آیه آخر سوره مزمل در ابواب مختلف فقهی مستند حکم قرار گرفته است؛ از جمله در باب قرائت نماز، مستند وجوب قرائت قرآن در رکعت‌های اول و دوم نماز قرار گرفته است. برخی دیگر نیز آن را دلیل بر وجوب قرائت روزانه آیاتی چند از قرآن قرار داده‌اند. برخی نیز آن را مستند امر استحبابی به نماز شب نسبت به عموم مسلمانان و نه فقط پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دانسته‌اند. با بررسی‌های صورت گرفته روشن شده است که آیه مطلقاً مشتمل بر حکم وجوبی نیست و صرفاً استحباب نماز شب را اثبات می‌کند.

۱. مطلق قرائت قرآن

برخی مفسران معتقدند که مراد از قرائت قرآن در این آیه، مطلق قرائت است و

ارتباطی با قرائتی که از واجبات غیر رکنی نماز است، ندارد. البته این مفسران در این باره که با قرائت چند آیه از آیات قرآن، این امر امثال شده و تکلیف ساقط می‌شود، اختلاف کرده‌اند. زمخشری به عنوان قول ضعیفی از برخی مفسران نقل می‌کند که مراد از قرائت در این آیه را همان قرائت قرآن دانسته و در حداقل مقدار واجب قرائت در هر شب اختلاف کرده‌اند؛ برخی ۵۰ آیه و جمعی ۱۰۰ آیه را لازم دانسته‌اند (زمخشری، ۱۴۰۷: ۴/۶۴۳). قرطبی نیز از حسن بصری، سدی و برخی دیگر نقل کرده است که معتقدند مراد همان ظاهر آیه یعنی تلاوت قرآن است. قرطبی نیز همین قول را به دلیل موافقت با ظاهر عبارت می‌پذیرد (انصاری قرطبی، ۱۳۶۴: ۱۹/۵۴). قطب راوندی از مشهور فقیهان نقل می‌کند که مراد از قرائت در این آیه را همان قرائت نماز می‌دانند. لکن نظر خودش را در فرازهای مختلفی از کتاب بیان می‌کند. ابتدا می‌گوید که می‌شود به این آیه برای وجوب قرائت در نماز استدلال کرد؛ اما در ادامه می‌گوید که مراد از این قرائت، مطلق قرائت است که از جمله آن‌ها قرائت در حال نماز است (قطب‌الدین راوندی، ۱۴۰۵: ۱/۱۰۶، ۱۰۷، ۱۲۷ و ۱۳۰). بنابراین طبق دیدگاه وی، مفاد آیه شریفه چنین است: مطلق قرائت قرآن واجب است و از جمله مصادیق تحقق این واجب، قرائت نماز است. البته ایشان توضیح نداده است که تلاوت چه مقدار از قرآن موجب عمل به امر و جوبی به تلاوت قرآن است و امر به واسطه آن ساقط می‌شود.

۱-۱. دلیل دیدگاه اول

همان‌طور که از قرطبی نقل شد، روشن است که این قول، مطابق با ظاهر ابتدایی واژگان است. قرائت یعنی خواندن، و قرآن هم که روشن است؛ پس قرائت قرآن یعنی قرآن خواندن.

۲-۱. بررسی این نظریه

به نظر می‌رسد که این دیدگاه اولاً خلاف سیاق آیه است؛ زیرا ابتدای آیه می‌فرماید: «پروردگارت می‌داند که تو و گروهی از آن‌ها که با تو هستند، نزدیک دوسوم از شب یا نصف یا ثلث آن را به پا می‌خیزند. خداوند شب و روز را اندازه‌گیری می‌کند. او می‌داند که شما نمی‌توانید مقدار آن را [به دقت] برای انجام عبادت اندازه‌گیری کنید، پس شما را بخشید...».

روشن است که در این آیه، سخن از نماز شب است. خداوند می‌فرماید که برای تخفیف و آسان گرفتن بر شما حکم کردیم که لازم نیست ثلث، نیم یا دو ثلث شب را به نماز شب بایستید. بعد می‌فرماید: اکنون آنچه برای شما میسر است، قرآن بخوانید. روشن است که آنچه بر مکلفان سخت بوده و موجب شده است که خداوند تخفیف بدهد، صرفاً مقدار لازم برای اختصاص به نماز است و نه اصل نماز شب. بنابراین تخفیف نیز باید در همان امر صورت بگیرد؛ یعنی در مقدار آن. بنابراین آیه شریفه بدون تغییر در موضوع تکلیف می‌فرماید هر مقدار که می‌توانید نماز بخوانید. آنچه در این بیان ممکن است مورد اشکال واقع شود، اراده «نماز» از «قرائت قرآن» است که در ادامه بدان خواهیم پرداخت.

ثانیاً این دیدگاه بر خلاف مقام سخن است؛ زیرا همان طور که در نقد قبلی روشن شد، مقام سخن در این آیه، تخفیف و امتنان بر بندگان است. آنچه مناسب با مقام امتنان است، رفع تکلیفی است که سابقاً وجود داشته است، نه جعل تکلیف جدید. بنابراین نمی‌توان پذیرفت که در این آیه، تکلیف الزامی قرائت قرآن جعل شده باشد.

۲. قرائت در همه نمازها (واجب و مستحب)

دیدگاه دیگر آن است که مراد از این قرائت، مطلق قرائت در نماز است؛ اعم از نمازهای واجب و مستحب. جصاص با عنایت به ظهور امر در وجوب، عبارت «فَأَقْرَأُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ» در این آیه را دال بر وجوب قرائت در نماز می‌داند، اما آن را منحصر به نمازهای واجب نمی‌داند؛ بلکه به اعتقاد وی، آیه شریفه هم نمازهای واجب و هم نمازهای مستحب را شامل می‌شود. بنابراین آیه شریفه می‌فرماید که قرائت علاوه بر نمازهای واجب در نمازهای مستحبی نیز واجب است (جصاص، ۱۴۰۵: ۳۶۷/۵-۳۶۸). وی دلیلی بر این ادعای خود اقامه نکرده است.

۱-۲. نقد این دیدگاه

جصاص در ادامه، اشکالی را بر دیدگاه خود وارد، و آن را رد کرده است. حاصل سخن او این است که در نمازهای مستحبی وقتی اصل نماز مستحب است، چگونه

ممکن است که جزء آن یعنی قرائت، امری واجب تلقی شود؟ سپس در پاسخ به این اشکال گفته است: هرچند اصل نماز، امری مستحب است و شما مخیرید که آن را بجا بیاورید یا ترک کنید، اما اگر وارد نماز شدید، رعایت اموری چون ستر عورت، قرائت و... بر شما واجب می‌شود. دقیقاً مانند آنکه شما مخیرید با دیگری عقدی از قبیل عقد بیع یا اجاره یا... منعقد کنید، اما به محض وقوع عقد باید به مفاد آن پایبند باشید و دیگر اختیار بر هم زدن آن از شما سلب می‌شود (همان).

اما ضعف سخن جصاص آشکار است. این قول از چند نظر قابل تأمل به نظر می‌رسد.

اشکال اول آن است که این سخن مخالف با سیاق آیه است. در ذیل نقد دیدگاه اول گذشت که موضوع سخن در این آیه، تخفیف در فرمان به اقامه نماز شب در ثلث، نیم یا دوسوم از شب است. بنابراین تخفیف موجود در این آیه هم باید متناسب با حکم پیشین باشد. لذا مراد از قرائت قرآن در این آیه، قرائت در نماز شب است و ارتباطی به نمازهای یومیه ندارد.

اشکال دوم آن نیز مخالفت با سیاق سوره است؛ زیرا در آیات ابتدایی این سوره نیز پیامبر به خواندن قرآن امر شده است. در آن آیات قرینه وجود دارد که مراد از قرائت قرآن، نماز شب است و آیه آخر نیز ناظر بر آیه اول نازل شده است و می‌فرماید: با توجه به اینکه خداوند می‌داند شما برای امتثال آنچه در آیات ابتدایی این سوره بدان امر شده‌اید، خودتان را به زحمت می‌اندازید، در آن حکم تخفیفی قائل شده است. لذا این تخفیف هم باید ناظر به نماز شب باشد که در آیات ابتدایی بدان امر شده است. بنابراین مراد از قرائت قرآن در این آیه، همان قرائت در نماز شب است، نه مطلق قرائت در تمام نمازها.

۳. قرائت نمازهای یومیه

برخی فقها همچون سید مرتضی، محقق کرکی، علامه حلی، کیا هراسی و فاضل مقداد قائل شده‌اند که قرائت قرآنی که در این آیه مورد نظر خداوند است، همان قرائت واجب در نماز است (کرکی عاملی، ۱۴۱۴: ۲/۲۴۳؛ علامه حلی، ۱۴۱۴: ۳/۱۲۸؛ کیا هراسی، ۱۴۲۲: ۴/۴۲۷؛ سیوری حلی، ۱۳۷۳: ۱/۱۱۸؛ سید مرتضی علم‌الهدی، ۱۴۳۱: ۳/۴۱۸). استدلال این

گروه تقریباً مشابه یکدیگر است و ما تقریب آیه‌الله خوبی را در این خصوص ارائه می‌کنیم.

۳-۱. دلیل دیدگاه سوم

این استدلال مبتنی بر سه مقدمه است:

اولاً، مسلمانان اجماع دارند که قرائت قرآن (سوره حمد) در دو رکعت اول نمازهای یومیه واجب است.

ثانیاً، فقیهان اتفاق نظر دارند که تلاوت قرآن به جز در قرائت نماز، واجب نیست.

ثالثاً، صیغه امر ظاهر در وجوب است.

در نتیجه امر به قرائت قرآن در آیه آخر سوره مزمل، ظهور در وجوب دارد و چون تلاوت قرآن جز در نمازهای یومیه واجب نیست، مراد از قرائت قرآنی که آیه آخر سوره مزمل به آن امر کرده است، همان قرائت نماز است (موسوی خوبی، ۱۴۱۸: ۲۶۲/۴).

۳-۲. نقد دیدگاه فوق

این دیدگاه از جهات مختلف به ویژه از جهت ناسازگاری آن با بافت و سیاق آیه قابل تأمل و نقد است. به همین جهت صاحب جواهر پس از آنکه می‌گوید به اجماع فقها و بلکه ضرورت مذهب شیعه، قرائت از واجبات نماز است، دلالت آیه محل نزاع بر این مطلب را مخدوش توصیف می‌کند (نجفی، ۱۴۰۴: ۲۸۵-۲۸۴/۹).

البته برخی فقها نیز اشکالاتی به این قول وارد دانسته‌اند که قابل دفاع نیست؛ برای نمونه به نقدی که فاضل مقداد نقل و سپس آن را نقد کرده است، اشاره می‌کنیم. ایشان در مقدمه دوم خدشه می‌کند و می‌گوید که بر قول به عدم وجوب قرائت قرآن به جز در قرائت نماز، اتفاقی میان علما وجود ندارد؛ بلکه برخی معتقدند که به جهت وجوب حفظ قرآن و جلوگیری از فراموشی آن، تلاوت قرآن به نحو وجوب کفایی بر همه مردم واجب است. بنابراین مقدمه دوم استدلال نادرست است.

فاضل مقداد پس از نقل این اشکال، در مقام پاسخ برآمده می‌گوید: هم متبادر به ذهن از وجوب و هم اصل در وجوب، وجوب عینی است نه کفایی، و ما در آیه شریفه دلیلی بر دست برداشتن از این اصل نداریم، و اتفاق بر عدم وجوب عینی قرائت قرآن

به جز در نمازهای واجب، قابل خدشه نیست. بنابراین امر در آیه شریفه، امر وجوبی به قرائت قرآن است که نمی‌توان آن را جز بر قرائت در نمازهای واجب، بر مورد دیگری حمل کرد (سیوری حلی، ۱۳۷۳: ۱/۱۱۸).

۳-۲-۱. نقد اول

در نقد این قول باید گفت که مقدمه سوم استدلال فوق قابل خدشه است؛ چرا که هرچند صیغه امر ظهور در وجوب دارد، اما در همین آیه و نیز آیات ابتدایی این سوره، قرینه وجود دارد که مراد از قرائت قرآن، نماز شب است و با توجه به اینکه نماز شب واجب نیست، بنابراین باید از ظهور صیغه امر در وجوب دست برداریم. با آنکه می‌پذیریم که اصل در صیغه امر، وجوب است، اما می‌دانیم که این اصل در اینجا قابل تمسک نیست؛ چرا که دلیل بر خلاف آن وجود دارد.

۳-۲-۲. نقد دوم

این ادعا از چند جهت، خلاف ظاهر آیه شریفه است. اولاً، آیه با تعبیر «فَاقْرُؤُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ» به صراحت به قرائت قرآن دستور داده است. واژه «قرآن» ظهور در کتاب آسمانی دارد و واژه قرائت هم که به معنای خواندن است. بنابراین آیه شریفه فرمان به تلاوت قرآن می‌دهد. اما محقق خوبی با تمسک به آنچه آن را اتفاق نظر دانشمندان می‌نامد، در ظاهر آیه شریفه تصرف می‌کند و آن را بر معنای دیگری حمل می‌کند. یعنی به این دلیل که فقها اتفاق دارند که قرائت قرآن جز در نماز، واجب نیست، بنابراین ظهور آیه که امر به مطلق قرائت قرآن است، مراد نیست. حمل قرائت قرآن بر نماز شاید فی حدّ نفسه مورد قبول باشد، اما در مورد آیه شریفه پذیرفتنی نیست؛ چرا که خلاف بافت سخن است. ایشان مدعی است که مراد از «فَاقْرُؤُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ» همان سوره حمد است که واجب است در نمازهای یومیه خوانده شود. بنابراین آیه شریفه می‌فرماید: بر شما واجب است که در نمازهای یومیه ده بار سوره فاتحه به علاوه بخشی از قرآن را بخوانید - که طبق نظر شیعه، یک سوره کامل و طبق نظر اهل سنت بخشی از قرآن هرچند کمتر از یک سوره است - حال آنکه سیاق و بافت آیه، دعوت و تحریض به تلاوت هر چه بیشتر قرآن است و چنین دستوری را

نمی‌توان منحصر به ده بار تلاوتِ یک سوره در طول شبانه روز کرد. آیه شریفه با این پیش‌فرض شروع می‌شود که پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و برخی از اصحاب ایشان برای اطمینان به امثال دستور خداوند مبنی بر زنده نگه داشتن نیمی از شب یا یک‌سوم و یا دو‌سوم آن، برای احصای ثلث، نصف یا دو‌سوم شب خود را به زحمت می‌انداختند. خدا در مقام تخفیف بر این بندگان می‌فرماید که لازم نیست به دقت این اجزا را محاسبه کنید؛ بلکه هر چقدر توانستید، قرآن - یا نماز شب - بخوانید. علاوه بر آنکه عبارت ﴿فَتَابَ عَلَيْكُمْ﴾ در آیه نیز به وضوح ظهور در دلالت آیه بر تخفیف دارد. به بیان دیگر، مفاد آیه چنین است: چون محاسبه و احصای دقیق بیداری ثلث، نیم یا دو‌سوم شب مشکل است، خداوند به شما تخفیف داده و نیاز نیست که آن را به دقت رعایت کنید هر چقدر توانستید، قرآن بخوانید. چنین تخفیفی را نمی‌توان به حد قرائت واجب در نماز تقلیل داد.

ثانیاً، مقام سخن در آیه شریفه، تلاوت قرآن در بخشی از شب - یعنی نصف، ثلث یا دو‌سوم - است. خداوند می‌فرماید چون احصای دقیق ثلث، نصف یا دو‌سوم شب برای شما مقدور نیست، به شما تخفیف داده شد و هر مقدار از آن را که می‌توانید، قرآن بخوانید. چنین قرائتی نمی‌تواند بر قرائت در نمازهای یومیه که بخش عمده‌ای از آن در روز انجام می‌شود، تطبیق شود.

ثالثاً، صاحب‌جوهر مهم‌ترین اشکال این رأی را مخالفت با روایات برمی‌شمارد؛ چه اینکه روایات، قرائت قرآن را به اصطلاح جزء سنن نماز که وجوبشان مستفاد از روایات است، دانسته‌اند و نه واجبات فریضه‌ای آن، که وجوبشان مستفاد از قرآن کریم است. ایشان می‌گویند:

«چهارمین فعل از واجبات نماز، قرائت است که اجماعاً فی الجملة در نماز واجب است؛ بلکه وجوب آن از ضروریات مذهب است و نصوص مستفیضه بلکه متواتره بر این مطلب دلالت دارند. گفته شده است که آیه انتهایی سوره مزمل که می‌فرماید: ﴿فَافْرُؤُوا مَا تيسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ﴾ نیز بر وجوب قرائت در نماز دلالت دارد؛ چرا که می‌دانیم اولاً امر ظهور در وجوب دارد و ثانیاً قرائت قرآن در جایی غیر از نماز واجب نیست. بنابراین مراد از قرائت در آیه شریفه، قرائت نماز است. اما این سخن پذیرفتنی نیست؛ چرا که نص روایات، ظهور بلکه صراحت دارد در اینکه واجب شدن قرائت قرآن در

نماز، مستفاد از روایات است نه قرآن کریم»^۱.

سپس در ادامه به روایت زراره از امام باقر یا امام صادق علیهما السلام استناد کرده که می‌فرماید:

«إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى فَرَضَ الرُّكُوعَ وَالسُّجُودَ، وَالْقِرَاءَةَ سُنَّةً. فَمَنْ تَرَكَ الْقِرَاءَةَ مُتَعَمِّدًا، أَعَادَ الصَّلَاةَ وَمَنْ نَسِيَ فَلَا شَيْءَ عَلَيْهِ» (حرّ عاملی، ۱۴۰۹: ۸۷/۶؛ نیز ر.ک: همان: ۹۱/۶)؛ همانا خداوند رکوع و سجده را واجب کرده است و قرائت از زمره سنت است. بنابراین اگر کسی قرائت را عمدتاً ترک کند، باید نمازش را اعاده کند و اگر از روی فراموشی آن را ترک کند، تکلیفی ندارد [نمازش صحیح است].

توضیح آنکه واجبات نماز به دو بخش تقسیم می‌شوند: واجبات رکنی - که در زبان روایات از آن‌ها به فرض^۲ تعبیر می‌شود- و غیر رکنی - که در زبان روایات از آن‌ها به سنت^۳ تعبیر می‌شود.. بنابر این روشن است که تعبیر به سنت درباره یکی از افعال مکلفان، مطلقاً به معنای نفی وجوب از آن نیست. واجبات رکنی اگر عمدتاً یا سهواً بجا آورده نشوند، موجب بطلان نماز می‌شوند؛ اما واجبات غیر رکنی اگر سهواً ترک شوند، موجب ابطال نماز نیستند. قرائت نماز بی شک جزء واجبات غیر رکنی (سنن) نماز است. هرچند برخی روایات از جمله صحیح محمد بن مسلم و موقفه سماعه که در آن‌ها آمده است: «لا صلاة إلا بفاتحة الكتاب»، ظهور در رکنیت قرائت دارند، اما به قرینه روایاتی همچون صحیح علی بن جعفر و زراره ناگزیریم که از ظهور این روایات دست برداریم و قرائت را از جمله واجبات غیر رکنی (سنن) بشماریم. بر این اساس اگر کسی قرائت را از روی فراموشی ترک کرد، نمازش صحیح است (موسوی خویی، ۱۴۱۸: ۲۹۷/۱۴-۲۹۹).

۱. «الفعل الرابع من أفعال الصلاة القراءة، وهي واجبة في الجملة في الصلاة إجماعاً، بل وضرورة من المذهب كما في كشف الأستاذ، لعدم العبرة في ذلك بمن لم يسمع الآن بجملة من الضروريات من بهائم الخلق ونصوصاً مستفيضة بل متواترة، بل قيل وكتاباً كقوله تعالى: ﴿فَأَقْرُؤُوا مَا تيسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ﴾ بعد العلم بأن لا وجوب في غير الصلاة، وفيه أنّ النصوص ظاهرة أو صريحة في أنّ وجوبها من السنة لا من الكتاب» (نجفی، ۱۴۰۴: ۲۸۴/۹-۲۸۵).

۲. فرض، آن دسته از واجبات است که از جانب خدا واجب شده است.

۳. سنت، آن دسته از واجبات است که خداوند آن‌ها را با خواسته پیامبر صلی الله علیه و آله واجب کرده است.

بر اساس این روایات، آیه‌ای از قرآن بر لزوم قرائت قرآن در نماز وجود ندارد - به همین جهت از جمله سنن قلمداد شده است و نه فروض - . بنابراین نمی‌توان مفاد آیه محل بحث را به قرائت قرآن در نماز مرتبط دانست.

۴. نماز شب

بسیاری از فقیهان و مفسران معتقدند که مراد از قرائت قرآن در این آیه، نماز شب است. فخر رازی درباره مراد از قرائت قرآن در این آیه، صرفاً دو قول قرائت در نمازهای یومیه و نماز شب را نقل کرده و قضاوتی درباره آن نمی‌کند (فخرالدین رازی، ۱۴۲۰: ۳۰/۶۹۵). قرطبی از ابن عربی نقل می‌کند که وی معتقد است مراد از قرائت قرآن در این آیه، نماز شب است (انصاری قرطبی، ۱۳۶۴: ۱۹/۵۴). بیضاوی ضمن نقل هر دو نظر، قول دوم یعنی قرائت نماز شب را ترجیح می‌دهد (بیضاوی، ۱۴۱۸: ۵/۲۵۸). امین‌الاسلام طبرسی این قول را اجماع مسلمانان به استثنای ابومسلم دانسته است (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱۰/۵۷۵).

ابن عاشور نیز مراد از قرائت قرآن در این آیه را همان نماز شب می‌داند و این تخفیف را ناظر به همان تکلیفی می‌داند که در ابتدای سوره به عنوان لزوم شب‌زنده‌داری جعل شده بود. البته وی آیه انتهایی سوره مزمل را مدنی می‌داند و مدعی است که علت این تخفیف هم پدید آمدن گرفتاری‌های فراوان در مدینه است که به علت تأسیس حکومت اسلامی برای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به وجود آمده بود. البته او امر به اقامه نماز شب را شامل پیامبر و اصحاب می‌داند، اما آن را فرمانی غیر ضروری می‌شمارد (ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۲۹/۲۶۰-۲۶۱). وی آیه ۷۸ سوره اسراء را به عنوان شاهد ادعای خود بیان می‌کند که در آنجا نیز خداوند از نماز صبح به ﴿قُرْآنَ الْفَجْرِ﴾ تعبیر کرده است. او وجه بلاغی این نوع استعمال را دعوت به نماز و قرآن با بیانی موجز برمی‌شمارد (همان: ۲۹/۲۶۴).

۴-۱. دلایل دیدگاه فوق

قرائن متعددی وجود دارد که مراد از قرائت قرآن در این آیه، نماز شب است.

۱-۱-۴. دلیل اول

در آیات ابتدایی این سوره نیز پیامبر به خواندن قرآن امر شده است. در آن آیات قرینه وجود دارد که مراد از قرائت قرآن، نماز شب است و بنابراین باید از ظهور صیغه امر در وجوب دست برداریم. در اولین آیات این سوره آمده است: ﴿يَا أَيُّهَا الْمَرْمُلُ ﴿۱﴾ قُمْ اللَّيْلَ إِلَّا قَلِيلًا ﴿۲﴾ نِصْفَهُ أَوْ انْقُصْ مِنْهُ قَلِيلًا ﴿۳﴾ أَوْ زِدْ عَلَيْهِ وَرَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا ﴿۴﴾؛ «ای جامه به خود پیچیده! (۱) شب را جز کمی به پا خیز (۲) نیمی از شب را یا کمی از آن کم کن (۳) یا بر نصف آن بیفزای و با دقت و تأمل بخوان (۴)».

در آیه چهارم این سوره، به ترتیل قرآن دستور داده شده است و در آیه دوم به قیام در شب. بنابراین در صدر و ذیل این سوره، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به قیام در شب دستور داده شده است. هرچند تعبیر به «قیام اللیل» شده است، اما روشن است که مراد از «قیام اللیل»، نماز شب است. بسیاری از مفسران به این مطلب تصریح کرده‌اند. شیخ طوسی از زجاج نقل می‌کند که این آیه، قیام نیمی از شب یا کمی بیش یا کمتر از آن را واجب می‌کند و این وجوب، قبل از وجوب نمازهای پنج‌گانه بوده است. شیخ طوسی در ادامه می‌گوید: بهتر آن است که کلام را بر ظاهرش حمل کنیم و بگوییم که خداوند به تمام این مراتب (قیام نیمی از شب یا بیش از آن) امر کرده است، اما این امر، وجوبی نیست؛ هرچند سنت مؤکد است. از مقایسه «قیام اللیل» با نمازهای یومیه و به کار بردن تعبیر «سنت مؤکد» روشن است که شیخ طوسی نیز «قیام اللیل» را همان نماز شب دانسته است (طوسی، بی‌تا: ۱۶۲/۱۰). امین‌الاسلام طبرسی می‌گوید: ﴿قُمْ اللَّيْلَ إِلَّا قَلِيلًا﴾ و معنای آن چنین است: تمام شب به جز کمی از آن را نماز بخوان؛ چرا که «قیام اللیل» به معنای نماز است (طبرسی، ۱۳۷۲: ۵۶۸/۱۰). علامه طباطبایی می‌فرماید: مراد از «قیام اللیل» در این آیه، قیام در شب برای نماز است (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۶۰/۲۰). فخر رازی و زمخشری نیز بر این مطلب تصریح کرده‌اند (زمخشری، ۱۴۰۷: ۶۳۴/۴؛ فخرالدین رازی، ۱۴۲۰: ۶۸۲/۳۰). در روایات نیز «قیام اللیل» در این آیه به معنای نماز دانسته شده است. محمد بن مسلم می‌گوید: از امام باقر علیه السلام درباره آیه ﴿قُمْ اللَّيْلَ إِلَّا قَلِيلًا﴾ پرسیدم، فرمود: خداوند به پیامبر صلی الله علیه و آله دستور داد که هر شب نماز بگذارد (طوسی، ۱۴۰۷: ۳۳۵/۲).

البته این مطلب با توجه به ترکیب واژگان به کاررفته در آیه کریمه نیز واضح است:

چرا که هرچند در این آیه از واژه «صلاة» به معنای نماز استفاده نشده است، اما ترکیب قیام در سیاق‌های این چنینی خصوصاً وقتی با لیل همراه می‌شود، به معنای نماز است؛ برای نمونه به موارد زیر دقت کنید:

مالک بن انس در الموطأ در بابی که روایات نماز مستحبی در شب‌های ماه مبارک را نقل می‌کند، روایات متعددی را می‌آورد که تعبیر متن روایت صرفاً «قیام اللیل» یا حتی صرفاً «قیام رمضان» است. ولی فهم او از این روایات، همان نماز در شب‌های ماه مبارک است؛ برای نمونه به روایتی که از ابوهریره نقل کرده است، توجه کنید. ابوهریره گفته است: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بی آنکه بر مردم واجب کند، آن‌ها را به قیام رمضان ترغیب می‌کرد، یا اینکه می‌فرمود: «مَنْ قَامَ رَمَضَانَ إِيمَانًا وَاحْتِسَابًا، غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ». وی تمام این روایات را برای بیان فضیلت نمازهای مستحبی در شب‌های ماه مبارک رمضان و در بابی که به همین نام ایجاد کرده، آورده است. در ادامه، مالک از ابن شهاب نقل می‌کند که به واسطه این بیانات رسول اکرم صلی الله علیه و آله، مردم شب‌های ماه مبارک رمضان هر کدام در گوشه‌ای مشغول نماز بودند و این امر در تمام مدت خلافت دوساله ابوبکر و اوایل خلافت عمر جریان داشت تا اینکه او گفت اگر این‌ها را در جماعت واحد جمع کنم، بهتر است؛ لذا ابی بن کعب را پیش فرستاد و مردم این نمازهای مستحبی را به وی اقتدا کردند (مالک بن انس، ۱۴۲۵: ۱۵۶/۲-۱۵۸). یا اینکه ابن مبارک که از علمای قرن دوم است، در روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل کرده است که فرمود: «أَفْضَلُ الصَّلَاةِ بَعْدَ الْقَرِيبَةِ قِيَامُ اللَّيْلِ، وَأَفْضَلُ الصَّوْمِ بَعْدَ رَمَضَانَ صَوْمُ الْمُحَرَّمِ» یا اینکه از عایشه نقل کرده است که گفت: «لَا تَدْعُ قِيَامَ اللَّيْلِ فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله كَانَ لَا يَدْعُهُ، وَكَانَ إِذَا مَرِضَ - أَوْ قَالَتْ: كَسِلَ - صَلَّى قَاعِدًا». روشن است که در این دو عبارت هم ترکیب «قیام اللیل» به وضوح درباره نماز شب به کار رفته است (ابن مبارک مروزی، ۱۴۲۵: ۴۲۷/۱).

با توجه به این مطالب روشن می‌شود که مسلماً مراد از «قیام اللیل» در آیات ابتدایی و انتهایی سوره مزمل، اقامه نماز است. با توجه به این مطالب، از دو راه می‌توان اثبات کرد که مراد از «فَاقْرَؤُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ» همان اقامه نماز است.

۱-۱-۱-۴. راه اول: سیاق آیه آخر سوره مزمل

خداوند در این آیه می‌فرماید:

«پروردگارت می‌داند که تو و گروهی از آن‌ها که با تو هستند، نزدیک دوسوم از شب یا نصف یا ثلث آن را به اقامه نماز برمی‌خیزند. خداوند شب و روز را اندازه‌گیری می‌کند. او می‌داند که شما نمی‌توانید مقدار آن را [به دقت] اندازه‌گیری کنید [برای نماز خواندن]، پس شما را بخشید. اکنون آنچه برای شما میسر است، قرآن بخوانید».

روشن است که در این سیاق، مراد از قرآن خواندن، همان نماز است؛ چرا که صدر آیه می‌فرماید خدا می‌داند که برای شما سخت است که بخوانید ثلث یا نصف شب را اندازه‌گیری کنید و دقیقاً همان مقدار را نماز بخوانید به همین جهت، این حکم را از شما برداشت. در این فرض اگر اراده کند که حکم جدیدی را بیان فرماید، باید با توجه به همین نکته حکم را بیان کند. نکته‌ای که باعث شد خداوند به آن‌ها تخفیف بدهد، سختی اقامه نماز در ثلث یا نیمی از شب بود. طبیعتاً باید بفرماید که لازم نیست این مقدار نماز شب بخوانید، و اگر کمتر هم خواندید، کفایت می‌کند. در همین سیاق خداوند فرمود: پس هر چه می‌توانید نماز بخوانید، که به جای «صلّوا» از «اقرؤوا القرآن» استفاده کرد. گفتنی است که این مطلب (تعبیر به قرآن به جای نماز) در آیات دیگر قرآن مثل آیه ۷۸ سوره اسراء هم صورت گرفته و در آن آمده است: ﴿أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذُلُوكِ الشَّمْسِ إِلَى عَسَقِ اللَّيْلِ وَقُرْآنَ الْفَجْرِ إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُودًا﴾ (اسراء/ ۷۸)؛ «نماز را از زوال خورشید [هنگام ظهر] تا نهایت تاریکی شب [نیمه‌شب] برپا دار و همچنین قرآن فجر [نماز صبح] را؛ چرا که قرآن فجر، مشهود [فرشتگان شب و روز] است!». بنابراین استفاده از واژه قرآن به جای نماز، امر غریبی نیست. در آن آیه نیز برای بیان نماز صبح از تعبیر «قرآن الفجر» استفاده شده است.

۱-۱-۱-۴. راه دوم: قاعده بلاغی «ردّ العجز إلى الصدر»

یکی از وجوه زیبایی‌های کلام آن است که گوینده در آخر کلامش، به همان بیان آغازین برگردد و آن را تکرار کند. علمای بلاغت این قاعده را چنین تعریف کرده‌اند: قرار دادن یکی از دو لفظ تکراری یا همجنس یا دو لفظ ملحق به هم در ابتدای عبارت

و دیگری در انتهای آن؛ مانند «وَتَخَشَى النَّاسَ وَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَاهُ» (احزاب / ۳۷)؛ «و از مردم می ترسیدی در حالی که خداوند سزاوارتر است که از او بترسی». در این فراز آیه، واژه «تخشی» در ابتدا و انتهای عبارت تکرار شده است (هاشمی، ۱۴۲۰: ۳۵۴) یا مثل سوره مبارکه حشر که در آیه اول و آخرش از این صنعت ادبی استفاده شده است. در آیه اول آمده است: «سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ» (حشر / ۱)؛ «آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است، برای خدا تسبیح می گوید و او عزیز و حکیم است» و در آیه آخر مجدداً همین مضمون تکرار شده است: «هُوَ اللَّهُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى يُسَبِّحُ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ» (حشر / ۲۴)؛ «او خداوندی است خالق، آفریننده [ای بی سابقه]، صورتگر [ای بی نظیر]، که برای او نامهای نیک است. آنچه در آسمانها و زمین است، تسبیح او می گویند و او عزیز و حکیم است».

در سوره مزمل نیز همین قاعده استفاده شده است. در آیات ابتدایی این سوره از نماز شب سخن می گوید و آیه انتهایی نیز دوباره بازگشت به همان موضوع دارد. با توجه به اینکه مراد از «قیام اللیل» و «ترتیل قرآن» در آیات ابتدایی، نماز شب است، اقتضای این قاعده آن است که مراد از «قیام اللیل» و «قرائت قرآن» در آیه انتهایی نیز نماز شب باشد.

۲-۴. نقد دیدگاه چهارم

این سخن، خلاف ظاهر آیه به نظر می رسد؛ چرا که ظاهر عبارت در آیه شریفه، قرائت قرآن است و نه اقامه نماز، و حمل قرائت قرآن در این آیه بر اقامه نماز، خلاف ظاهر است.

۳-۴. بررسی و پاسخ

یکی از ابواب مهم بلاغت، مجاز است. مجاز یعنی استعمال لفظ در معنایی غیر از معنایی که برای آن وضع شده است، به جهت ارتباطی که بین این دو معنا (معنای موضوع له و معنای مستعمل فیه) وجود دارد؛ البته به شرط وجود قرینه‌ای که مانع از اراده معنای موضوع له باشد. مجاز با توجه به این قرینه به دو بخش استعاره و مرسل تقسیم می شود؛ اگر علاقه مذکور مشابهت باشد، مجاز از نوع استعاره خواهد بود و اگر وجه دیگری باشد، مجاز مرسل خواهد بود. یکی از علائق موجود در مجاز مرسل، علاقه جزئیت است. در این نوع مجاز، جزء گفته می شود، ولی کل اراده می شود؛ مانند آیه «وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ أَنْ

يَقْتُلُ مُؤْمِنًا إِلَّا خَطَاً وَمَنْ قَتَلَ مُؤْمِنًا خَطَاً فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ وَدِيَةٌ مُسَلَّمَةٌ إِلَىٰ أَهْلِهِ إِلَّا أَنْ يَصَدَّقُوا...» (نساء/ ۹۲)؛ «هیچ فرد باایمانی مجاز نیست که مؤمنی را به قتل برساند، مگر اینکه این کار از روی خطا و اشتباه از او سرزند و [در عین حال،] اگر کسی مؤمنی را از روی خطا به قتل رساند، باید یک برده مؤمن را آزاد کند و خونبهای بی‌کسان او بپردازد؛ مگر اینکه آن‌ها خونبها را ببخشند...». آیه می‌فرماید کفار قتل خطئی آن است که برده مؤمنی آزاد شود. اما به جای برده از واژه رقبه به معنای گردن استفاده شده است؛ یعنی گردن گفته شده، ولی شخص و انسان اراده شده است (همان: ۲۵۳-۲۵۵).

مفسران از جمله فاضل جواد در توجیه این خلاف ظاهر در آیه شریفه، به قاعده بلاغی مجاز با علاقه جزئیت اشاره کرده‌اند. فاضل جواد در توضیح این مطلب می‌گوید:

«چون قرائت قرآن، جزئی از نماز است، با استفاده از علاقه و قرینۀ جزئیت می‌توان قرائت قرآن را به جای نماز به کار برد. بنابراین هرچند این استعمال، به کاربردن لفظ در غیر معنایی است که برای آن وضع شده است، اما کاربردی صحیح و از اقسام مجاز است» (فاضل جواد کاظمی، ۱۳۶۵: ۱/۱۹۵).

زمخشری نیز این قاعده را بیان کرده و البته به استعمال دیگری از این قاعده در آیات قرآن اشاره کرده، می‌گوید:

«همان گونه که در برخی آیات، از نماز به رکوع و سجود تعبیر شده است، در این آیه هم به قرائت که بخشی از نماز است، تعبیر شده است» (زمخشری، ۱۴۰۷: ۴/۶۴۳).

نتیجه‌گیری

از بررسی چهار قول درباره مراد از قرائت قرآن در آیه آخر سوره مزمل (مطلق قرائت قرآن، قرائت در تمام نمازها، قرائت در نمازهای یومیه، و نماز شب) مشخص شد که قول اول، دوم و سوم از جهاتی همچون مخالفت با سیاق آیه، مخالفت با سیاق سوره، مخالفت با روایات و... پذیرفتنی نیستند و قول چهارم با ادله‌ای همچون موافقت با قواعد بلاغی، مطابقت با سیاق آیه، موافقت با سیاق سوره، موافقت با مقام تأیید شد. با توجه به اینکه مراد از قرائت قرآن نماز شب است و می‌دانیم که نماز شب قطعاً دست کم بر غیر پیامبر ﷺ واجب نیست، بنابراین باید از ظهور صیغه امر در وجوب به جهت وجود قرینه دست برداریم.

کتاب‌شناسی

۱. آنگشا، غلامرضا، و علی کرمی، «اهمیت نماز شب در آینه قرآن»، فصلنامه پژوهش‌نامه مطالعات راهبردی علوم انسانی و اسلامی، سال دوم، شماره ۹، پاییز ۱۳۹۶ ش.
۲. ابن عاشور، محمد بن طاهر، التحرير والتنوير (تفسیر ابن عاشور)، بیروت، مؤسسة التاريخ العربي، ۱۴۲۰ ق.
۳. ابن مبارک مروزی، عبدالله، کتاب الزهد والرقائق، تحقیق حبیب الرحمن اعظمی، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۵ ق.
۴. انصاری قرطبی، ابو عبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع لاحکام القرآن، تهران، ناصر خسرو، ۱۳۶۴ ش.
۵. بیضاوی، عبدالله بن عمر، انوار التنزیل و اسرار التأویل، تحقیق محمد عبدالرحمن مرعشلی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۸ ق.
۶. جصاص، ابوبکر احمد بن علی رازی، احکام القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۵ ق.
۷. حرّ عاملی، محمد بن حسن، تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعه، قم، مؤسسه آل البيت (ع)، لاحیاء التراث، ۱۴۰۹ ق.
۸. خاتمی، سیدجواد، و سیدرضا موسوی، «کاوشی در نماز شب پیامبر اکرم (ص)»، مطالعات اسلامی: فقه و اصول، سال چهل و دوم، شماره ۸۵/۱، پاییز و زمستان ۱۳۸۹ ش.
۹. خرمی، جواد، «تهجد و شب‌زنده‌داری در سیره پیامبر اکرم (ص)»، ماهنامه مبلغان، شماره ۷۷، فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۵ ش.
۱۰. دزی، رضا، تفسیر تطبیقی روایی سوره مزمل از اهم تفاسیر فریقین، با راهنمایی عبدالهادی مسعودی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علوم قرآن و حدیث، ۱۳۹۱ ش.
۱۱. زمخشری، جارالله محمود بن عمر، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الاقوایل فی وجوه التأویل، چاپ سوم، بیروت، دار الکتب العربی، ۱۴۰۷ ق.
۱۲. سید مرتضی علم‌الهدی، علی بن حسین موسوی، تفسیر الشریف المرتضی المسمی بنفائس التأویل، بیروت، شرکتة الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۳۱ ق.
۱۳. سیوری حلّی (فاضل مقداد)، جمال‌الدین مقداد بن عبدالله، کنز‌العرفان فی فقه القرآن، تهران، مرتضوی، ۱۳۷۳ ش.
۱۴. شکراللهی، عذرا، محمدرضا حاجی اسماعیلی، داوود اسماعیلی، «قرآن پژوهان و آیه پایانی سوره مزمل»، فصلنامه پژوهش‌های قرآنی، سال بیست و یکم، شماره ۱ (پیاپی ۷۸)، بهار ۱۳۹۵ ش.
۱۵. صفری رودبار، خدیجه، بررسی معناشناختی سوره مزمل و ملثراً، با راهنمایی سیدحسین سیدی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه فردوسی مشهد، تیرماه ۱۳۹۵ ش.
۱۶. طباطبائی، سیدمحمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ دوم، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰ ق.
۱۷. طبرسی، امین‌الاسلام ابوعلی فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، چاپ سوم، تهران، ناصرخسرو، ۱۳۷۲ ش.
۱۸. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۱۹. همان، تهذیب الاحکام، چاپ چهارم، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ ق.
۲۰. علامه حلّی، ابومنصور جمال‌الدین حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، تذکرة الفقهاء، قم، مؤسسه آل البيت (ع) لاحیاء التراث، ۱۴۱۴ ق.

۲۱. فاضل جواد کاظمی، جواد بن سعید، مسالک الافهام الى آیات الاحکام، چاپ دوم، تهران، کتابفروشی مرتضوی، ۱۳۶۵ ش.
۲۲. فخرالدین رازی، ابو عبدالله محمد بن عمر، التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، چاپ سوم، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ ق.
۲۳. فرحان جواد، علی، «الألفاظ الدالة على الصلاة في القرآن الكريم - دراسة دلالية»، القادسية فی الأدب و العلوم التربویه، شماره ۴، ۲۰۰۹ م.
۲۴. قطب الدین راوندی، ابوالحسین سعید بن هبة الله، فقه القرآن فی شرح آیات الاحکام، چاپ دوم، قم، کتابخانه عمومی آية الله مرعشي نجفی، ۱۴۰۵ ق.
۲۵. کرکی عاملی (محقق ثانی)، علی بن حسین، جامع المقاصد فی شرح القواعد، چاپ دوم، قم، مؤسسه آل البيت علیه السلام لاحیاء التراث، ۱۴۱۴ ق.
۲۶. کیا هراسی، عمادالدین ابوالحسن علی بن محمد طبری، احکام القرآن، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۲ ق.
۲۷. مالک بن انس، الموطأ، ابوظبی، مؤسسه زاید بن سلطان آل نهیان للاعمال الخیریه و الانسانیه، ۱۴۲۵ ق.
۲۸. موسوی، لیلا، بررسی دلالت های آوایی سوره مزمل و مدثر، با راهنمایی کبری خسروی، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه لرستان، بهمن ۱۳۹۵ ش.
۲۹. موسوی خویی، سید ابوالقاسم، موسوعة الامام الخوئی، قم، مؤسسه احیاء آثار الامام الخوئی، ۱۴۱۸ ق.
۳۰. میرعمادی، سید احمد، «آية اللیل... هل هی منسوخة؟»، رسالة القرآن، شماره ۱۶، اسفند ۱۳۷۲ ش.
۳۱. نجفی، محمد حسن بن باقر، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، چاپ هفتم، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۴ ق.
۳۲. هاشمی، سید احمد، جواهر البلاغة فی المعانی و البیان و البدیع، قم، ذوی القربی، ۱۴۲۰ ق.